

طبق یوحنا ی رسول

از پیدایش تا مکاشفه

اکنون آخرین کتابهای عهد جدید یعنی آنهایی را که به یوحنا ی رسول نسبت داده می شوند و عبارتند از انجیل چهارم، رسالات و مکاشفه مورد بررسی قرار می دهیم.

در اینجا ما با خلقت جدیدی روبرو می شویم که وجود آن توسط آیاتی چون: «آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم... اینک خیمه خدا با آدمیان است» (مکا ۲۱: ۱-۳)، الهام شده است.

چهار موجود زنده ای که گرداگرد تخت خدا هستند دارای ظاهر شیر، گوساله، انسان و عقاب می باشند (مکا ۴: ۷).^۱ در روایات کلیسا، نشان چهارم یعنی عقاب، به عنوان سمبل نویسنده انجیل چهارم اختصاص داده شده است، بنابراین ما کارمان را به همراه شاهی که نگاهی نافذ و تیز دارد شروع می کنیم. شاید که او ما را تا قله هایی که راههای دسترسی به راز خدا بر سر آنها آشکار می شوند هدایت کند.

برای بررسی این آثار بزرگ یوحنا باید نهایت سعی و کوشش خود را با تعمق و دقت انجام داد که این کار ما را با ترکیب و غنای آنها آشنا خواهد ساخت. جای تعجب نیست که در این آثار نه تنها به توصیف شخصیت یکی از نویسندگان عهد جدید دسترسی خواهیم یافت، بلکه شرح زندگی اجتماعات کاملی از جوامع مسیحیان را کشف خواهیم نمود که تحت تأثیر شخصیت قوی یکی از نخستین همراهان عیسی ناصری قرار گرفته اند و منعکس کننده بشارت وی شده اند.

این فصل در واقع مقدمه ای بر تعمق ماست. در قسمت اول، تمام نوشته هایی را که به یوحنا نسبت داده شده اند بررسی خواهیم کرد و در قسمت دوم فقط به انجیل یوحنا خواهیم پرداخت. در هر دو قسمت سعی خواهیم کرد که نه فقط فراتر از مباحث فنی در مورد شخص مؤلف یا مؤلفان و سرگذشت تألیف این آثار، بلکه زندگی مسیحیان اولیه را که حقیقتاً می خواستند کمال ایمان خود را نسبت به عیسی مسیح بیان کنند، مورد توجه قرار دهیم.

۱- درباره این چهار حیوان رجوع کنید به کتاب «انجیل مرقس چه می گوید؟» ص ۳۷.

قسمت اول : آثار یوحنا

انجیل، رسالات، مکاشفه

مجموعه آثاری که به یوحنا رسول نسبت داده می شود مانند رشته کوهی است که سه قله دارد یعنی انجیل، رسالات و مکاشفه. در این نوشته ها تنوع وجود دارد چون هر کدام از آنها متعلق به يك «سبك ادبی» متفاوت است. انسان موقعی که به يك منطقه کوهستانی پا می گذارد معمولاً در همان نظر اول ابعاد جغرافیایی منطقه را تعیین کرده، موقعیت ناهمواریها و موانع موجود را مشخص می نماید و به طور خلاصه «تصویری» از منطقه را برای خود مجسم می کند. بیایید ما هم آثار یوحنا را مطالعه نموده «تصویر» آن را برای خود مجسم نمائیم.



انجیل یوحنا

انجیل یوحنا با مقدمه ای طولانی آغاز می شود که «سخن» یا «کلمه» نازل شده از جانب خدا را به ما نشان می دهد. عبارت آخر مقدمه آهنگ تمام انجیل را مشخص می نماید: «خدا را هرگز کسی ندیده است، پسر یگانه ای که در آغوش پدر است همان او را شناسانید» (۱۸:۱).^۲ انجیل یوحنا را می توان به صورت «تفسیر» بزرگی که پسر از پدر می کند دانست. در بابهای ۲ تا ۱۲، عیسی پدر را برای دنیا و از باب ۱۳ پدر را برای خاصان خود «تفسیر» می کند. بعد از مقدمه، سرگذشت یحیی تعمید دهنده می آید (۱۹:۱ به بعد). در اینجا کلمه ای کلیدی دیده می شود که کلمه «شهادت» است. یحیی تعمید دهنده شاهد عیسی است و تمام انجیل را می توان به عنوان

یوحنا شاهدهی تیز بین

جریان محاکمه بزرگی که در آن شهود اظهارات خود را جهت اتهام یا تبرئه ارائه می دهند، مورد مطالعه قرار داد. در این محکمه موضوع این است که آیا از راه ایمان عیسی را به عنوان یکتا پسر خدا بشناسیم یا او را رد کرده، بگشیم.

^۲ در این کتاب هر بار بدون ذکر نام مأخذ به باب و آیه اشاره شود منظور انجیل یوحناست.

غالباً شنیده می‌شود که انجیل یوحنا بیش از اناجیل دیگر به الهیات و عرفان می‌پردازد. باید دید که آیا این تعبیر معتبر است یا خیر و نیز چه معنایی در ارتباط با انجیل یوحنا، می‌توان برای آنها قائل شد؟ فعلاً در مراحل ابتدایی هستیم و برای ما کافیت که به غنای نمادین مورد استفاده یوحنا توجه کرده و موضوعات نور، تاریکی، نان زندگی و آب حیات... را یادآوری کنیم. آری یوحنا شاعر است اما باز با سادگی و نزدیکی به اُمور زندگی عادی می‌نویسد و این یکی از هنرهای یوحناست که همزمان ساده و عمیق و در عین حال با واقعگرایی و تأمل می‌نویسد.

سه رساله

قله دوم «رشته کوههای یوحنا» شامل سه رساله می‌شود که اهمیت آنها یکسان نیست. رساله اول دارای ۵ باب است و دو رساله دیگر هر کدام از یک باب تشکیل شده‌اند. رساله اول به صورت نوشته‌ای عقیدتی، الهیاتی، عرفانی و موثق جلوه‌گر می‌شود. بر خلاف آداب و رسوم زمان، این رساله کسی را در آغاز مخاطب قرار نمی‌دهد و در پایان نیز حاوی سلام و تعارفات نمی‌باشد. این رساله بدون تردید به علت اینکه در آن موضوع محبت پرورانه شده است از دو رساله دیگر بیشتر خوانده می‌شود و مشهورتر است.

دو رساله دیگر عبارت از نامه‌های کوتاهی هستند که از سوی کسی که خود را «پیر» می‌خواند، ارسال می‌گردند. ما در آنها رد و اثر زندگی جماعتی از مسیحیان را مشاهده می‌کنیم که با مسائل تفرقه و بدعت روبرو بودند. شایسته است که این سه رساله از نزدیک مورد مطالعه قرار گیرند چون اینها از بهترین وسیله‌هایی هستند که جهت قدم نهادن در اندیشه یوحنا و درک انجیل او در دسترس می‌باشند.

مکاشفه

حجم مکاشفه یوحنا که شامل ۲۲ باب می‌باشد تقریباً به اندازه حجم انجیل چهارم است. مکاشفه‌ها به طور کلی به یک سبک ادبی خاص تعلق دارند که در دنیای یهود معروف بوده و نمونه‌هایی از آن در کتب عهد عتیق دیده می‌شوند (مثل کتاب دانیال)، هدف مکاشفه‌ها که از نوع ادبیات حماسی می‌باشند عبارتست از احیای شهامت فاتران (ر.ک مک ۳: ۱۶) و تقویت ایماندارانی که با مشکلات زمانه درگیر می‌باشند. مکاشفه یوحنا نیز همین نقش را به عهده دارد. این کتاب نوشته‌ای است از دوران مبارزه خونین در نیمه دوم قرن اول که در میان آزار و شکنجه و تعقیب، نگارش یافته است.

مؤلفین هر مکاشفه معمولاً از یک نام استعاره استفاده نموده و خود را زیر نام یکی از

شخصیتهای بزرگ مانند موسی، خنوخ و ابراهیم پنهان می نمایند. اتفاقاً درباره این سه شخصیت عهد عتیق سه مکاشفه وجود دارد که همگی نزدیک به دوران زندگی عیسی می باشند. اما یوحنا از این روش استفاده نمی کند. او از اولین جمله نام خود را بروز می دهد و می گوید: «این مکاشفه ای است که خدا به عیسی مسیح داده است تا آنچه که باید به زودی رُخ دهد به بندگانش نشان دهد. او قرشته خود را به نزد بنده خویش یوحنا فرستاد تا این چیزها را به او نشان دهد» (مکا: ۱: ۱-۲). مؤلف خود را پشت نام شخصیتی مهم از عهد عتیق پنهان نمی سازد. او با چهره ای باز سخن می گوید و فقط یک مقام را به خود نسبت می دهد و آن مقام شاهد مسیح زنده است. این امر کافی است تا سخنان وی مورد قبول واقع شوند.

چون سبک مکاشفه به سبکی از ادبیات تعلق دارد که با سبک مورد استفاده برای نگارش انجیل بسیار متفاوت است، بالاچار بین انجیل چهارم و مکاشفه یوحنا تفاوتهای مهمی بروز می کنند. مکاشفه در مقایسه با انجیل مانند «بیشه ای وحشی و بُر از خار و خاشاک است». انسان با خواندن مکاشفه احساس می کند که به سرزمینی قدم نهاده که برایش کمتر آشناست. تفاوتهای دیگری نیز وجود دارد که به سبک نگارش بستگی نداشته و ارزش آن را دارند که ذکر از آنها به میان آید. مثلاً زبان مکاشفه خشن تر بوده و غالباً از لحاظ دستور زبان غلط می باشد. بعضی از مفاهیم مهم انجیل مانند محبت، نور، ظلمت و حقیقت در مکاشفه یافت نمی شوند. این گونه ملاحظات باید مورد نظر قرار گرفته و سؤال اجتناب ناپذیر در مورد مبدأ این نوشته ها مطرح شوند.



یوحنا شاهد کلمه خدا

آیا چنین نوشته‌های متنوعی را باید فقط به یک نویسنده اختصاص داد؟ همه می‌دانند که امضای مکاشفه متعلق به یوحناست. اما در این مورد هنوز شک و تردیدهایی وجود دارد. در دو رساله آخر از «پیر» سخن گفته می‌شود. رساله اول و نیز انجیل بی‌اس‌اند، اما روایات قدیمی کلیسا یا برج‌ها هستند. در قرن دوم، یوحنا ی مکاشفه نویس و یوحنا ی رسول از نظر ژوستین^۳ و ایرنائوس^۴ یک فرد محسوب می‌شدند. همان ایرنائوس انجیل را به یوحنا ی رسول نسبت می‌دهد. همه این مطالب باید از نزدیک مورد بررسی قرار گیرند. همچنین مکانها را نیز باید مورد توجه قرار داد. مکاشفه، برای کلیساهای آسیای صغیر که هفت رساله به مقصد آنها ارسال شده اهمیت بسیاری قائل است (مکا: ۱: ۴ به بعد). افسس می‌بایست در بوجود آمدن تمام آثار یوحنا ی نقش عمده‌ای داشته باشد. لااقل احساسی که در آغاز مطالعه به ما دست می‌دهد چنین است، احساسی که تکمیل آن به عهده مباحث بعدی خواهد بود ■



۳- Justin (۱۰۰-۱۶۵) اهل سامره فلسطین و ساکن یونان- فیلسوف و نویسنده که در سال ۱۶۵ شهید شد.

۴- Irenaeus از متکلمین مسیحی و اسقف شهر لیون در فرانسه کنونی.

تحقیق در مورد یوحنا، پسر زبدی

در روایتی قدیمی که توسط ایرنائوس قدیس در حدود سال ۱۸۵ م. بازگو شده، انجیل چهارم به یوحنا پسر زبدی نسبت داده می‌شود. اما یک منبع دیگر اطلاعاتی که قدیمی‌تر بوده و متعلق به یایاس^۵ می‌باشد به ما تعلیم می‌دهد که چگونه دو نفر موسوم به یوحنا را که یکی شاگرد عیسی و دیگری شخصی است معروف به «پیر»، از یکدیگر تمیز دهیم. اثبات این امر که یوحنا پسر زبدی واقعاً مؤلف انجیل، رسالات و مکاشفه می‌باشد کاری دشوار است اما تعیین نقش آن یوحنا^۶ «پیر» نیز در تحریر شهادت یوحنا^۷ رسول و تکمیل آثارش نیز مشکل است. قصد ما این نیست که بر روی تمام فرضیات تدوین شده تأمل نمائیم بلکه اکنون به یک تفحص و بررسی در کتابهای عهد جدید می‌پردازیم تا آنچه را که درباره یوحنا یا پسران زبدی گفته شده، مشخص نمائیم:

- با کمال تعجب پی می‌بریم که انجیل چهارم اطلاعات اندکی به ما می‌دهد و نام یوحنا که چندین بار ذکر می‌شود مربوط به یحیی تعمید دهنده و عبارت دیگر یوحنا معمدان^۸ است. در این انجیل از پسران زبدی فقط یک بار و بدون مشخص کردن یوحنا یاد می‌شود (۲:۲۱).

- نام مؤلف اولین رساله یوحنا، ذکر نمی‌شود. در این نامه گاهی جمله «ما می‌نویسیم» و گاهی جمله «من می‌نویسم» بکار رفته است. نگارنده دو رساله دیگر شخصی به نام «پیر» می‌باشد.

- کتاب مکاشفه، چهار بار نام یوحنا را به عنوان نویسنده ذکر می‌کند بدون اینکه بگوید منظور کدام یوحناست.

- اناجیل نظیر، یعقوب و یوحنا، پسران زبدی را غالباً بر روی صحنه می‌آورند: مثلاً در موقع تجلی عیسی و نیز در باغ جتسیمانی، به صورت شاهدان بعضی از معجزات و نیز جزو دوازده رسول از آنها یاد می‌شود...

- در کتاب اعمال رسولان نام یوحنا تقریباً همیشه در جای دوم بعد از پطرس ذکر می‌شود: پطرس، یوحنا و یعقوب.

- در رساله به غلاطیان (۹:۲) یعقوب یعنی اولین اسقف اورشلیم، پطرس و یوحنا به عنوان ستونهای کلیسا معرفی شده‌اند.

۵- Papias از نویسندگان قدیمی، متولد حدود ۶۰ م.

۶- یحیی و یوحنا به زبان یونانی یکی هستند.

از این بررسی چه چیزی باید ما می‌شود؟

- در انجیل نظیر این روایت که یوحنا پسر زبیدی و یکی ازدوازده رسول بوده سخت مورد تأیید است اما هیچ چیز بر این امر دلالت نمی‌کند که این یوحنا مؤلف یکی از کتابهای عهد جدید است.

- در انجیل چهارم اسمی از یوحنا پسر زبیدی برده نمی‌شود. تمام حوادثی که سه انجیل دیگر از آنها یاد می‌کنند در انجیل چهارم مشاهده نمی‌شود. برعکس در انجیل نظیر نیز به شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت هیچ اشاره ای نمی‌شود.

امروز هم برخی از مفسران، بخصوص مفسران کاتولیک، بر صحت روایت ایرنائوس قدیس یافشاری می‌کنند و انجیل چهارم را به یوحنا پسر زبیدی نسبت می‌دهند. بعضی مفسران دیگر، شاگرد محبوب عیسی را با پسر زبیدی یکی می‌دانند. بنظر ما اینگونه نتیجه گیری اندکی زودرس است. اکثر مفسران اثری را که به یوحنا نسبت داده می‌شود ثمره رحمت و دقتی در زمینه ادبی و الهیاتی می‌دانند که مبتنی است بر شهادت «شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت» (۲۴:۲۱)

یوحنا ی رسول و یوحنا ی پیر

- ایرنائوس، اسقف شهر لیون، در حدود سال ۱۸۵ میلادی در مورد مبدأ انجیل چهارم، چنین می‌نویسد:

۱- «یوحنا، شاگرد خداوند کسی است که بر سینه عیسی تکیه می‌زند. او هم در طی اقامت خود در شهر افسس در آسیا انجیلی منتشر نمود» (علیه مرتدان ۳، ۱:۱)^۷

- ایرنائوس درباره استاد خود پولیکارپ چنین می‌گوید:

۲- «من می‌توانم جایی را که پولیکارپ متبارک در موقع سخن گفتن بر آن می‌نشست، طرز ورود و خروج وی، طریقه زندگانی وی... و نیز چگونگی مناسبات وی با یوحنا و اشخاص دیگری که خداوند عیسی را می‌شناختند و چگونه او سخنان آنها را به یاد می‌آورد و مطالبی را که آنها درباره خداوند عیسی و معجزات و تعلیمات وی می‌گفتند، تشریح نمایم...» (علیه مرتدان ۵، ۲۰:۴-۷).

- قدیمی ترین شهادت شهادت پاپیاس است (در حدود سال ۱۲۵ م.).

۳- «اگر روزی کسی می‌آمد که در جوار پیران پسر برده بود من از سخنانی که پیران می‌گفتند جويا می‌شدم و می‌پرسیدم که اندریاس، پطرس، فیلیپس، ثوما، یعقوب، یوحنا، متی، دیگر شاگردان خداوند عیسی، آریستون^۸ و یوحنا ی پیر، شاگردان خداوند عیسی چه گفته اند. من فکر نمی‌کردم مطالبی که از کتابها حاصل می‌شوند به اندازه یک سخن زنده و پادوام، سودمند باشند» (علیه مرتدان ۲، ۳۹:۴).

۷- کتاب «علیه مرتدان» (Adversus Haereses) یکی از مهمترین آثار ایرنائوس است.

۸- Ariston

شاگردی که عیسی او را دوست می داشت

در انجیل چهارم از آغاز باب سیزدهم چندین بار به شاگردی که عیسی او را دوست می داشت اشاره می شود. برای اولین بار این شاگرد در ۱۳:۲۳ ظاهر می شود که بر سر سفره شام در جای ممتاز «با تکیه زدن بر سینه عیسی» نشسته است. این اصطلاح که در کتاب عهد جدید بندرت دیده می شود در انجیل یوحنا دو بار آورده شده است:

- در آخر مقدمه انجیل یوحنا «پسر یگانه ای که در آغوش پدر است» تنها کسی است که قادر است پدر را آشکار نماید. ترجمه تحت اللفظی آیه ۱:۱۸ این است: «او وی را برای ما تفسیر نمود»، پسر مفسر پدر است. درواقع انجیل فقط از آیه ۱۹ آغاز می گردد: تمام زندگی عیسی شهادتی است از طرف پسر برای پدر. چون پسر در آغوش پدر است، بنابراین او می تواند پدر را برای ما تفسیر نماید.

- چون شاگردی که عیسی دوستش می داشت کاملاً بر سینه عیسی تکیه زده باید اعمال وی نسبت به عیسی مشابه اعمال عیسی نسبت به پدرش باشد. تمام متونی که به آن شاگرد اشاره می کنند، ماوریت او به عنوان شاهد و مفسر تأکید می کنند.

✱ در ۱۳:۲۴، این اوست که از جانب پطرس از عیسی سؤال می کند که خیانتکار کیست. چرا طرح این سؤال از عیسی نصیب وی می شود؟ شاید او تنها کسی است که در بحران عیسای تسلیم شده، سهم می شود و قادر است اهمیت جواب را تشخیص دهد.

✱ و نیز همین شاگرد است که در پای صلیب در کنار مادر عیسی قرار دارد. او آخرین سخنان عیسی را تفسیر نموده و بر قوران آب و خون از پهلوی وی

شهادت می دهد (۱۹:۳۴-۳۵) و مرگ عیسی را به معنای امکان زندگی برای ایمانداران تعبیر می نماید.

✱ و باز هم اوست که بعد از رستاخیز، قدرت آن راز را از درون درک می کند. او می بیند و ایمان می آورد. او درواقع غیر از دستمال و بند چه چیزی را می بیند؟ پطرس همین ها را با چشمان ظاهر خود دیده است اما شاگرد محبوب با چشمان باطن خویش می بیند. او در ایمان آوردن به راز گذر عیسی در صلب قرار دارد و برای درک رستاخیز او مقدم بر همه است.



یوحنا شاهد قلب عیسی

✱ و بالاخره این همان شاگرد است که شاهد واقعی تمام سخنانی می باشد که در کتاب انجیل به ودیعه نهاده شده است (یو ۲۱).

همان طور که شاید متوجه شده باشید شاگردی که عیسی او را دوست می داشت کارش تفسیر سخنان خداوند و تعبیر زندگی وی و بخصوص راز گذر وی می باشد. او می تواند این نقش را به عهده داشته باشد، چون او عیسی را می شناسد و متقابلاً این شناسائی مخصوص، وی را به صورت شاهد و مفسر درمی آورد.

نام وی هم نام ویژه ای است. یوحنا نمی گوید «شاگردی که عیسی را دوست می داشت» بلکه می گوید «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت» یا چنانچه جسارتاً بگوئیم «کسی که خود را تسلیم محبت عیسی نمود».

ابتکار عمل خداوند عیسی در مناسبات وی با شاگردان، همانطوری که عمل شستشوی پاها نشان می دهد (یو ۱۳) بدست خود اوست. محبتی که عیسی نسبت به شاگردان دارد ضمانت وفاداری شاگرد است. اگر شاگرد خود را وفادار نشان می دهد بدین جهت است که در وفاداری خداوند عیسی ریشه دوانیده است و بنابراین او نام «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت» به نشانه این وفاداری عاشقانه و بادوام بر خود دارد.

مفسران غالباً متانت و خویشتن داری کسی را که به عنوان شاگرد محبوب مشخص شده است مورد ملاحظه قرار می دهند. آنها او را به آسانی در شاگرد بی نام و نشانی که به دنبال اندریاس می آید باز می شناسند. (۱: ۳۵-۴۰). او در تمام قسمت اول انجیل بی نام باقی می ماند و فقط در باب سیزدهم نام خود را می یابد و این نامگذاری عجیب است، چه او با نام «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت» مشخص می گردد. بر هر خواننده انجیل است که به فیض روح القدس در این نام یعنی «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت» غور و تعمق نموده و این نام را نام خود سازد. این نام در عین حال، هم ضمانت است و هم توقع.

جماعت مسیحیانی که تحت نفوذ یوحنا جمع بود، در این شاگرد کسی را دیده که اطلاعات بسیار عمیقی از عیسی دارد. در بطن انجیل چهارم شهادتی حقیقی و استوار وجود دارد که چنین است: «این شاگرد چیزهایی می گوید... و آنچه می گوید حقیقت است» (۱۹: ۳۵).

جماعت مسیحیان خود را به صورت جماعتی زنده به دور این شهادت سازمان می دهد، در تعلیمات عیسی تعمق می کند، در سخنان وی سکنی می گیرند، حکم وی را به خاطر می آورد و به نوبه خود شهادت می دهد.

اگر انجیلی به اسم یوحنا وجود دارد به دلیل آن است که شخصی عیسی را چنان خوب می شناخت که شهادت خود را به تمام جماعت منتقل نمود. این جماعت را می توان جماعت «شاگردی که عیسی او را دوست می داشت» نامید.

کلیساهای در بحران

رسالات یوحنا نه تنها شامل تعالیم هستند بلکه اطلاعاتی را درباره وضع کلیساهای و مشکلاتی که مؤلف قصد داشت با آنها روبرو شود دربر دارند. برای کشف آنها ما بررسی خود را از رساله سوم که از دیگر رسالات خصوصی تر است شروع می کنیم.

خطاب به غایس

این رساله خطاب به شخصی است به نام غایس که پیر او را «محبوب» می خواند، درست همان طوری که یک شاگرد خاص «محبوب عیسی» بوده است. در کنار وی دیمیتریوس نیز سزاوار همان مدح و ستایش است چون هر دوی آنها در راستی سلوک می نمایند. پس وضع چندان آسان هم نبوده است؟ شخصی به نام دیوترفیس نامه ها را توقیف می کند و ایمانداران را از پیر دور نگه می دارد. غایس غریبان را می پذیرد و مسافرت آنها را ترتیب می دهد در صورتیکه این کار می بایست از مسئولیتهای جماعت ایمانداران باشد. «پیر» نام خود را نمی گوید و در مورد موضوع دعوا سکوت می کند و فقط قول می دهد که بزودی شخصاً در این موضوع دخالت نماید. ما درباره این امر پس از خواندن دیگر رسالات اطلاع بیشتری خواهیم یافت.

خطاب به خاتون برگزیده

رساله دوم برای یک یا چند کلیسای محلی که سزاوار نام خاتون برگزیده یا عروس مسیح می باشند، ارسال شده است. «پیر» همچنان بی نام است و نام جایی را که نامه فوری خود را از آنجا می فرستد فاش نمی سازد. سیمای حاکی از راز و رمز این دو رساله کوچک با لحن بقیه کتب عهد جدید متفاوت است. احساس می کنیم که یک عمل محتاطانه بر ضد طبقه ای که به قدرت سیاسی نزدیک است در جریان می باشد.

اطلاع می یابیم که پای گمراه کننده ای در میان است یعنی همان کسی که آدم و حوا را گمراه کرد. او دجال (ضد مسیح) است که «عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرار نمی کند» (آیه ۷). اوضاع جدی است زیرا که شرایط، فرمان محبت را محدود می نماید به حدی که: به کسانی که «بیشوائی می کنند و در تعلیم مسیح ثابت نیستند» نباید حتی درود و تحیت گفت (آیات ۹-۱۰).

خطاب به همه

خطر ناشی از ظهور دجالانی که متکی بر پدیده های شبه پیامبری می باشند در رساله اول که رساله ای کوتاه و حاوی تعلیم یوحنائی بوده و بدون تردید برای تمام کلیساهای آن منطقه

ارسال شده است، قدری بهتر نمایانده می‌شود. کلیساها از آمدن ضد مسیح (دجال) ظنین بوده‌اند و اکنون او دست به کار شده و وجود برادران کاذب مورد تأیید قرار می‌گیرد (۱- یو: ۱۸-۲۲ و ۳-۱: ۴).

برای مقابله با آن، مؤلف بی‌نام، رساله را با تأیید این مطلب که کلمه، حیات مرثی و ملموس است آغاز می‌نماید و می‌گوید که کلمه، عیسی مسیح، پسر خداست (۱- یو: ۱-۴).

در انجیل

ما این اندیشه اصلی را در مقدمه انجیل می‌یابیم و در پایان انجیل هم می‌خوانیم که: «اینقدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خداست» (یو: ۲: ۳۱). هرچه در مطالعه متون مورد بررسی پیش برویم وجوه مقایسه دیگری را ملاحظه خواهیم نمود.

از هم اکنون چند نتیجه‌گیری امکان پذیر است. سه رساله و کار نهائی که بر روی انجیل انجام گرفت فقط یک نیت را دنبال می‌کرد و آن استقرار حقیقت در مورد عیسی، مردی از

گوشت و استخوان، مسیح، و پسر خدا بود.

بدعت ضد یوحناپی

یوحنا در نوشته‌های خود با کدام عقاید گمراه کننده مقابله می‌کرد؟ سنتی که از «دوستیزم» (مشتق از کلمه یونانی *doke* به معنای ظواهر) سخن می‌گوید آنها را برای ما قدری روشن می‌سازد. طبق این بدعت، مسیح آسمانی که پسر خداست، فردی به نام عیسی را که مردی صالح و مقدس بود هدایت کرده او را الهام بخشید ولی در لحظه‌ای قبل از مرگش وی را ترک گفت. بنابراین حرکات و سخنان وی تعالیم الهی بود اما مرگ وی دیگر قربانی بازخريد کننده نبوده است زیرا که عیسی صالح واقعاً جان سیرده، اما مسیح فقط به ظاهر مرده است. در این صورت تعالیم یولس می‌بایست از هم پاشیده می‌شد و شریعت موسی واجب باقی می‌ماند.

این تعریف به شکل فوق با اشاراتی که در متون یوحنا وجود دارد وفق می‌نماید و آنها را تا حدی دقیق تر می‌سازد. اما مکتبهای «دوستیزم»^{*} سیستمهای مفصل تری را تشکیل می‌دادند.

* زیرا نه تنها یک مکتب بلکه چندین مکتب دوستیزم وجود داشت.

کلیساهای ذی نفع در کجا واقع بوده‌اند؟ در روایات کلیسایی، از بزرگترین شهر و غنی‌ترین استان شرقی روم، یعنی افسس و حوالی آن نام برده می‌شود. جای تعجب نخواهد بود اگر بگوییم که امر بخش کتب یوحنائی شاید پس از اصلاح نهائی از این مرکز انجام گرفته باشد.

اما مکتب یوحنائی که از اورشلیم شروع شد از چه راهی گذر کرده است؟ این حرکت در چه مکانی و در چه زمانی با کدام مشکلات ویژه مواجه گشته و چگونه روشهای بیانی را که سبک مخصوص آن را تشکیل داد یافته است؟ این مطالب را هرگز به یقین نخواهیم دانست و این امر چندان کمکی به قرائت متون نخواهد کرد.

قسمت دوم : انجیل یوحنا

ما در مشخص کردن طرحی که انجیل یوحنا طبق آن نوشته شده است دچار تردید می‌باشیم. تصور اینکه رویدادهای فاجعه‌آمیز به‌طور تصاعدی شدت می‌گیرند، آسان است اما توانی رویدادها همیشه از روی منطق نیست. در هر حال جدولی که در زیر می‌آید به ما امکان می‌دهد که نظری کلی درباره مجموع حوادث بدست بیاوریم. ملاحظه خواهیم کرد که به «نشان‌ها» پی که به ایمان منتهی می‌شوند اهمیت خاصی داده می‌شود. مؤلف در آخرین قسمت انجیل چنین تصریح می‌نماید: «عیسی نشان‌های دیگر بسیار نمود که در این کتاب نوشته نشد، لیکن این قدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی مسیح پسر خداست و تا ایمان آورده به اسم او نجات یابید» (۲۰: ۳۱).



یوحنا ی رسول، مجسمه ای متعلق به قرن ۱۷، ماکسیسم قدیس

این... از یوحناست

هر يك از انجيل نگاران سبكي مخصوص به خود دارند. گاهی اتفاق می افتد که ما با شنیدن آیدای از انجيل به فوریت می گوئیم که این به از لوقا یا از متی و یا از یوحنا می باشد. چگونه می توان متنی از یوحنا را شناخت؟

سبك یوحنا

در انجيل یوحنا خطابه ها در مهمترین جا قرار می گیرند. این خطابه ها طولانی هستند و چنین به نظر می رسد که در آنها اندیشه در حالی که بر چند کلمه ویژه تأکید می کند همانند امواج یک مد دریایی سیر تصاعدي را طی می نماید و سپس ناگهان یک جمله نورانی پدیدار می گردد (ر. ک ۳: ۲۱، ۶: ۳۴، ۷: ۲۴ و غیره). اما در روایات، یک زندگی جوشان می بینیم و اصطلاحاتی را که در خطابه ها مورد استفاده قرار می گیرند مثل مُحبت، حقیقت، ادراک، زندگی، نور، شهادت و غیره را به شکل دیگری ارزشمند می سازد.

اما سبك یوحنا به استفاده از یک شیوه ادبی خاص محدود نمی شود. به صورت مثال در یک آهنگ چندین موضوع موسیقی ظاهر می شوند که اگر گاهی هم حتی به نظر متقابل می آیند در نهایت به هم می رسند و هم آهنگ می گردند. نوشته های یوحنا نیز چنین هستند. سه نوع لحن بر نوشته های یوحنا حکمفرماست که هریک از آنها ما را متأثر ساخته و برخورد با آنها ما را منقلب می نماید: ۱- لحن مهربان ۲- لحن متأثر ۳- لحن اسرارآمیز.

لحن مهربان

لحن یوحنا گاهی مهربان، رثوف، انسانی و مأنوس است. در اناجیل نظیر نیز این سلسله اختلافات دیده می شود اما این اختلافات در انجيل یوحنا لحن شگفت انگیزی را به خود می گیرد. به بازی نگاهها و کلماتی که در روایت مربوط به اولین برخورد عیسی با شاگردانش وجود دارد (۱: ۳۵-۵۱)، توجه کنید و همچنین به صحبت او با زن سامری (باب ۴)، به حضور عیسی در عروسی قانا، آمدن وی به بیت عنیا بعد از فوت ایلعازر، یادآوری شام عجیب با ایلعازر زنده شده، به خطابه بعد از شام آخر، به پیغمبی که عیسی از روی صلیب به مادر و شاگرد محبوب خود می گوید و بالاخره به ظاهر شدن وی بر ساحل دریاچه با این ندا که: «ای بچه ها نزد شما خوراکی هست» (۴: ۲۱) توجه نمائید.

لحن متاثر

این لحن از آغاز مقدمه مشاهده می‌شود:

«نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند» (۱۱:۱).

و تقریباً در هر باب دوباره ظاهر می‌شود:

«آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را

نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او می‌ماند» (۳۶:۳).

یهودیان قصد داشتند او را بکشند (۱۷:۵، ۱۹:۷). بعد از خطابه ثان حیات، شاگردان

شروع به زمزمه می‌کنند، شماری از میان آنها او را ترک می‌نمایند (۶۰:۶-۶۵) و بعضی

دیگر می‌خواهند او را توقیف کنند (۳۰:۷، ۳۹:۱۰). بحث به توهین بدل می‌شود «پی

سنگهایی برداشتند تا بر او پرتاب کنند. اما عیسی پنهان شده از معبد بیرون رفت»، «بار

دیگر یهودیان برای سنگسار کردنش، سنگها آوردند» (۵۹:۸ و ۳۱:۱۰). زنده شدن

ایلعازر باعث می‌شود که مقامات زودتر تصمیم به کشتن وی بگیرند (۴۷:۱۱-۵۴). البته

هر بار بعضی از آنهايي که به او گوش می‌دادند ایمان می‌آوردند. لوقا از زبان شمعون

می‌گوید که عیسی آیت تناقض خواهد بود (لو ۲:۳۴). انجیل یوحنا بر این امر تأکید می‌کند

که آمدن عیسی به این دنیا «داوری» و تمییز را برمی‌انگیزاند. بعضی‌ها در ظلمات قرار

دارند که به سوی مرگ خواهند رفت، دیگران را سخن شنیده شده منور می‌سازد و آنها داخل

زندگی می‌شوند.

لحن اسرارآمیز

این لحن، دنیای اسرارآمیز، نقشه خدا برای انسانها و بالاخره شخصیت واقعی عیسی را

محسوس می‌نماید. هنگامی که او می‌گوید: «من هستم»، تصاویر بسیاری در اذهان پدیدار

می‌شوند. او به ترتیب خود را «نور جهان»، «شبان حقیقی»، «نان حیات»، «تاک»،

«راه»، «حقیقت»، «زندگی»... و «پسر خدا» می‌نامد. روزی که مردم قصد دارند وی را به

پادشاهی انتخاب کنند او فرار را اختیار می‌کند اما در مقابل پیلاطس می‌گوید «من پادشاه هستم

». اناجیل نظیر، لوحی را که بر روی آن به دستور پیلاطس کلمات «پادشاه یهود» نوشته شد و

بر صلیبش نصب گردید مورد اشاره قرار می‌دهند. اما یوحنا به تفسیر این نوشته می‌پردازد

(۱۹:۲۰-۲۲).

جنبه اسرارآمیز سخنان عیسی در بابهای ۷-۸ و در خطابه بعد از شام آخر به اوج خود

می‌رسد اما این جنبه در سراسر انجیل به خصوص در روایاتی چون عروسی در قانا، صحبت با

زن سامری، کور مادرزاد، ایلعازر و صید معجزه آسا که در وهله اول به صورت داستان به نظر

می‌رسند مشاهده می‌گردد. از عناصر ذکر شده دو یا گاهی هر سه عنصر در بسیاری از این

روایات دیده می‌شوند.

در اناجیل نظیر، بارها ذکر شده که بزرگترین حکم، فرمان محبت است (نسبت به خدا و هموعان). اصطلاحاتی که یوحنا برای بیان این بشارت بکار می برد ما را با راز حیات آشنا می سازد: یکدیگر را محبت نمائید چنانکه من شما را محبت نمودم» (۱۳:۳۴). طریق زندگی در همین جاست: «آنچه از آغاز بود، آنچه را شنیده ایم، آنچه را به چشم خود دیده ایم، آنچه را تماشا کرده ایم و دستهای ما کلمه حیات را لمس کرده است و زندگی تجلی کرده و ما دیده ایم و گواهی می دهیم، و به شما اعلام می کنیم، زندگی جاودانی را، که به نزد پدر بود و بر ما تجلی کرد. آنچه را که دیده و شنیده ایم، به شما هم اعلام می کنیم، تا شما نیز در همبستگی با ما باشید؛ و همبستگی ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. و این را ما می نویسیم تا شادی، به تمامی باشد.» (۱-۱۰:۴) ■

رویدادهایی که در اناجیل نظیر و انجیل یوحنا وجود دارند

یوحنا	اناجیل نظیر
۱۹-۲۸:۱	مתי ۱۳:۱-۱۲ و آیات متوازی
۱۳-۲۲:۲	مתי ۲۱:۱۲-۱۷ و آیات متوازی
۴۳-۵۴:۴	مתי ۸:۵-۱۳ و لوقا ۷:۱-۱۰
۶-۱۵:۶	مתי ۱۴:۱۳-۲۱ و آیات متوازی
۶-۲۱:۶	مתי ۲۲:۲۷-۲۷ و مرقس ۶:۴۵-۵۲
۴۵-۵۴:۱۱	مתי ۱:۲۶-۵ و آیات متوازی
۱۱-۵۵:۱۱	مתי ۶:۲۶-۱۳ و مرقس ۱۴:۳-۹
۱۲-۱۹:۱۲	مתי ۲۱:۱۱-۱۱ و آیات متوازی
۲۱-۳۰:۱۳	مתי ۲۰:۲۵-۲۵ و آیات متوازی
۱۳-۳۸:۱۳	مתי ۲۶:۳۱-۳۵ و آیات متوازی
۱۸-۲۹:۲۰	مתי ۲۶:۴۷ تا ۲۸:۲۰ و آیات متوازی
	شهادت یحیی تعمید دهنده
	تطهیر معبد
	شفای پسر سرهنگ
	تکثیر نانها
	راه رفتن بر روی آب
	توطئه بر ضد عیسی
	تدهین در بیت عنیا
	شاخه های نخل
	خیانت یهودا
	پیشگویی انکار بطرس
	از توقیف تا رستاخیز

توضیح: منظور از «مתי و آیات متوازی» این است که این آیات در هر سه انجیل نظیر یافت می شود. موقعی که آیات فقط در دو تای آنها وجود دارد آن وقت مأخذ آن با علامت مرقس یا لوقا نشان داده شده است.

یوحنا، مورخ یا الهیدان؟

همه مسیحیان بر این عقیده‌اند که انجیل یوحنا اثری الهیاتی و روحانی است؛ خطابه‌های طولانی و عمیق عیسی و ترکیبهای بزرگی همچون مقدمه انجیل، نشانه‌های بارز این امر هستند. در هم‌جا از «انجیل روحانی» و «یوحنا عالم الهی» سخن گفته می‌شود. ما واقف هستیم (و خود انجیل هم به آن اعتراف می‌نماید) که این کتاب فقط حاوی گزیده‌هایی است از اعمال و حرکات عیسی (ر.ک ۲۰: ۳۰-۳۱). این کتاب مدعی آن نیست که همه چیز در آن گفته شده بلکه عبارت است از ذکر برخی از «نشان»ها و هدف آنها برانگیزاندن ایمان در خوانندگان می‌باشد.

در حقیقت انجیل چهارم فقط مقدار کمی اطلاعات درباره زندگی عیسی را در اختیار ما می‌گذارد. صحنه‌های بسیاری که در انجیل نظیر وجود دارند در انجیل یوحنا نقشی ندارند و اما رویدادهای متوازی را یوحنا به سبک ویژه خود مطرح می‌نماید (ر.ک جدول صفحه قبل). به نظر می‌رسد که بسیاری از روایات فقط برای شروع خطابه‌ها در متن قرار داده شده‌اند. این اثر متأخر بوده و بسیار مدون می‌باشد و به نظر می‌رسد که با وقایع زندگی عیسی مقداری فاصله دارد.

علائم مکانی

جای تعجب در اینجا است که گرچه انجیل چهارم صورت وقایع نگاری مربوط به زندگی روزمره عیسی را ندارد (همان‌طوری که در انجیل نظیر نیز به این صورت نیستند) با این حال یوحنا تعدادی از نشان‌های دقیق را در این انجیل فراهم کرده که نوشته‌های وی به خاطر همین جزئیات قابل اعتماد به نظر می‌رسد.

تعدادی از اسمهای خاص فقط در انجیل یوحنا دیده می‌شوند مانند قانای واقع در جلیل (۱: ۲، ۴: ۴۶، ۲: ۲۱)، چاه یعقوب (۴: ۶) و بعضی از مکانهای اورشلیم مانند رود قدرون (۱: ۱۸)، حوض بیت حسدا (۵: ۲) و رواق سلیمان (۱۰: ۲۳). اینها نامهای جعلی نیستند. حفاریهای باستانشناسی تحقیق درباره بعضی از جزئیاتی را که در این انجیل آورده شده‌اند امکان‌پذیر می‌سازد.

یوحنا همچنین برخلاف انجیل نظیر درباره چندین رفت و آمدی که عیسی و شاگردانش بین جلیل و اورشلیم به عمل آوردند سخن می‌گوید (مثلاً ۱۳: ۲، ۱۰: ۵...). متی و لوقا عیسی را فقط برای روزهای ماقبل رنج و مرگ به اورشلیم می‌آورند. یس به نظر می‌آید که در مقابل

سه انجیل نگار دیگر حق به جانب یوحنا بوده است. بسیاری از یهودیان فلسطین غالباً برای برگزاری عیدهای بزرگ به شهر مقدس می آمدند و عیسی هم مانند دیگران این کار را می کرد. اناجیل نظیر با اشاره به تنها یک اقامت عیسی، مطلب را خلاصه می کنند. آنها اورشلیم را نقطه نهایی فرض می کنند که عیسی فقط برای قبول مرگ به آنجا می رود. شهادت نوشته های یوحنا از نظر تاریخی ارجحیت دارد چون با آنچه که ما از زندگی یهودیان معتقد قرن اول میلادی می دانیم منطبق می باشد.

علائم زمانی

داده های انجیل یوحنا برحسب ترتیب زمانی از داده های اناجیل نظیر دقیق تر به نظر می رسند.

یوحنا ی انجیل نگار از سه بار برگزاری عید گذر یهودیان که عیسی به خاطر آنها اغلب به اورشلیم می رود، یاد می کند (۱۳:۲، ۴:۶، ۵۵:۱۱) و همچنین از عید دیگری سخن می گوید که مناسبتش مشخص نیست (۱:۵). او با این عمل دوره خدمتگذاری عیسی را به یک دوره زمانی سه یا چهارساله بسط می دهد و این امر به اندازه کافی محتمل به نظر می رسد. تردیدی نیست که عیسی به عنوان واعظ تعمید دهنده (اناجیل نظیر درباره این فعالیت عیسی چیزی نمی گویند؛ ر. ک ۲۲:۳، ۱:۴-۳) یعنی در زمانی که طی آن نخستین شاگردان خود را جمع آوری نمود شروع به کار کرد. از آن به بعد مأموریت حقیقی وی که دگرگوئیهای عمیق در بعضی افراد و عکس العمل های طرد کننده متعدد را موجب می شود، گسترش می یابد. بدون شک چند سال لازم بود تا اوج گرفتن جبر و زوری که بر علیه وی جمع می شد به قتل وی که قدری قبل از عید گذر سال ۳۰ میلادی رخ داد منتهی گردد. در اینجا باز هم اناجیل نظیر که فقط درباره تنها یک عید گذر سخن می گویند داده های مربوط به زمان را فقط به آنچه که طبق ارزیابی آنها برای درک رنج و مرگ وی لازم می نماید محدود کرده اند.

معروفترین اختلاف نظری که بین یوحنا و اناجیل نظیر وجود دارد و در ضمن با زمان نیز مرتبط است، اختلاف نظری است که به تاریخ مصلوب کردن عیسی مربوط می شود. مسئله این است که آیا شام رسمی عید گذر که شب عید یهودیان با هم برگزار می کردند، در پنج شنبه مقدس بوده یا خیر؟ برای متی، مرقس و لوقا شام پنج شنبه مقدس، شام رسمی عید گذر یهودیان است که معمولاً در شب عید برگزار می شد. این زمان دقیق، ما را وامی دارد که تاریخ اعدام عیسی را در روز عید گذر که مصادف با جمعه مورخ ۱۴ نisan است بدانیم اما این امر کاملاً دور از حقیقت به نظر می آید چه در روزهای تعطیل به خصوص اگر روز تعطیل مربوط به بزرگترین عید سال یا عید عیدها باشد محکومان به مرگ اعدام نمی شدند.

یوحنا رویدادها را به ترتیب دیگری قرار می دهد. عیسی طبق انجیل وی «در روز تهیه گذر» مصلوب گردید (۱۹: ۱۴، ۳۱) و عید گذر به فردای آن روز یعنی با روز شنبه مورخ ۱۴ نisan مواجه می شد. شام پنج شنبه شب در فضای عیدی که نزدیک می باشد فرو رفته است (ر. ک ۱: ۱۳). اما این شام، شام آئینی (سنتی) عید گذر نیست که عیسی در صورتی که گشته نمی شد می بایست آن را در جمعه شب با شاگردان خود برگزار نماید.

حق با چه کسی است؟ زمان بندی یوحنا حتی اگر تابع تعالیم دینی این انجیل نویس باشد (بدین معنی که عیسی در ساعتی که بره گذر قربانی می شد جان می سپارد)، اغلب ترجیح داده می شود. انجیل نگاران دیگر به شام واپسین، بعد عید گذر را می بخشند تا رشته ارتباط بین شام گذر یهودی و آیین تناول نان و شراب کلیسا را برقرار نمایند.

يك انجيل جسم یافته

بدین ترتیب چهارچوب وقایعی که توسط یوحنا ی الهیدان گزارش می شود بیشتر از دیگر انجیل نگاران با حقایق تاریخی مطابقت می کند.

شرحی که مرقس، لوقا و متی می دهند با دقت کمتری تنظیم شده است اما این در ظاهر امر غلط انداز می باشد، چه آنها نیز در علم الهیات سر رشته داشته و وقایع را طبق دیدگاه خودشان ارائه می دهند. این امر را در کتابهای دیگری (انجیل لوقا یا انجیل مرقس چه می گوید؟) می توان دید. مؤلفان انجیل نظیر در خداشناسی کمتر از یوحنا نیستند و یوحنا نیز در تاریخ شناسی کمتر از آنان نمی باشد. عیسایی که او معرفی می نماید کسی است که در مملکت خود و در عصر خود قرار دارد. آیا می توان انتظار دیگری از مؤلفی داشت که این قدر به راز تن گیری پسر خدا اهمیت می داد؟

نگارش انجیل یوحنا

هر کتابی تاریخچه‌ای مخصوص به خود دارد. به عنوان مثال نگارش کتاب «نخستین دایره» یا «دور نخستین» سوئز نیتسین از سال ۱۹۵۵ شروع شد. اولین نسخه چاپی آن در سال ۱۹۶۹ منتشر گردید و چاپ هفتم و کامل آن در سال ۱۹۸۲ از زیر چاپ خارج شد، یعنی ۲۷ سال سراسر زحمت و تعدادی چاپهای مختلف کتاب که همه از لحاظ حجم با یکدیگر متفاوت بودند. انجیل یوحنا از مدتها پیش جهت بازسازی تاریخچه آن مورد بررسی دانشمندان بوده است: بدون در نظر گرفتن بحثهای متخصصین، به عنوان مثال آخرین فرضیه دانشمندی بسیار معروف به نام کشیش بومار (Boismard) را به شما ارائه می‌دهیم که تاریخچه نگارش انجیل یوحنا را به ترتیب زیر ارائه می‌دهد:

- ۱- سندی که در استان سامری استفاده می‌شد. ۲- اولین تألیف یوحنا یلقب به پیر.
- ۳- نوشته نوینی از همین شخص. ۴- جمع‌آوری این نوشته‌ها توسط یکی از اعضای جماعت مسیحیان یوحنائی.

۱) کتابچه سامری

در ابتدای کار تألیف، احتمالاً کتابچه کوچکی وجود داشته که در جماعت مسیحیان سامری مورد استفاده بوده است. از اعمال رسولان درمی‌یابیم که این منطقه خیلی زود توسط فیلیپس شماس به انجیل‌گروید و دو نفر از رسولان یعنی بطرس و یوحنا بدانجا آمدند تا ایمان نخستین مسیحیان این منطقه را تأیید نمایند (اع ۸: ۱-۲۵). علاوه بر این می‌دانیم که عیسی از آنجا گذر کرده بود و اهالی شکیم به خطابه وی گوش داده بودند.

سامریها بیش از اینکه منتظر شخصی به عنوان مسیح باشند در انتظار آن نبی بزرگ یعنی آن موسی جدید بسر می‌بردند که آمدن وی در تث ۱۸: ۱۸ اعلام شده بود: «یهوه به موسی گفت: نبی ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت» (تث ۱۸: ۱۸). قصد کتابچه سامری «نمایاندن همین نبی جدید در وجود عیسی می‌باشد». همانند موسی (خروج ۴: ۱-۹)، او برای اثبات مأموریت خود سه نشان به ظهور می‌رساند: شراب قانا، شفا دادن پسر سرهنگ رومی و صید معجزه آسا. هدف این «نشان‌ها» پدید آوردن ایمان می‌باشد. این کتابچه ساده و مختصر و شامل پنج قسمت بوده است. در چهار قسمت اول از آنچه در

سامره، جلیل، اورشلیم و بیت عنیا می گذرد سخن گفته می شود و قسمت پنجم رنج و مرگ و رستاخیز را شرح می دهد. نگارش آن را می توان به سالهای ۵۰ میلادی مربوط دانست. بنابراین، این کتابچه با قدیمی ترین نوشته مسیحی یعنی رساله اول به تسالونیکیان همزمان بوده و همچنین برای انجیل لوقا یکی از منابع را تشکیل می دهد. روایتی که آن را به یوحنا رسول نسبت می دهد به نظر صحیح می آید.

۲) اولین نوشته یوحنا پیر

در حدود سال ۱۳۵ میلادی نویسنده ای مسیحی به نام پاپیاس بین یوحنا رسول و شاگرد دیگری که او را یوحنا پیر می خواند تفاوت قائل می شود. «پیر» به معنای «رئیس جماعت» و مقامی است که نویسنده رسالات یوحنا قدیس بر خود می نهد. به احتمال قوی همان یوحنا پیر است که با استفاده از کتابچه سامری کتاب بس طولانی تری را نوشت. او بدون به هم زدن کتابچه دنباله آن را گرفته تکمیل می نماید. اوچون می خواهد تعداد «نشان ها» به ۷ برسد روایات زیاد کردن نان، شفای مرد مفلوج، کور مادرزاد و زنده کردن ایلعازر را اضافه می نماید. موضوع مربوط به جلیل را به دو قسمت تقسیم می کند تا بتواند اولین سفر عیسی به اورشلیم را در آن جای دهد و نیز صحبت با نیکودیموس را در همانجا قرار می دهد.

او مدارکی را بکار می برد که برای نخستین نگارشهای اناجیل متی و مرقس نیز بکار می رود. بدین ترتیب او به نویسندگان اناجیل نظیر نزدیک می شود. اما خود آن نوشته بعداً مأخذ متن نهایی انجیل متی خواهد بود.

اوجنیه فلسطینی اولین کتابچه و نیز وابستگی های خود را در میان مسیحیان سامری حفظ می نماید. عیسی به تحقیق «آن» نبی است که «نشان هائی» را که مأموریت وی را به اثبات می رساند انجام می دهد. آنهائی که با وی مخالفت می ورزند «یهودیان» به معنی ساکنان یهودیه و مخصوصاً مقامات اورشلیم می باشند. به نظر می رسد که این نوشته در حدود سالهای ۶۰-۶۵ میلادی یعنی قبل از اولین قیام یهودیان نگارش یافته است.

۳) نوشته جدید یوحنا پیر

به دنبال جنگ یهود با روم در سال ۷۰ میلادی، آیین یهودی، اطراف شهر «جامنیا» که مرکز دسته بندیهای جدید شیوخ بزرگ قریسی بوده است حیاتی تازه گرفت. کشور درحال اغتشاش بود. جماعت مسیحیان اورشلیم دست به مهاجرت زده بودند و روابط بین کنیسه و کلیسای جوان رو به تیرگی نهاد. در مراسم آیین یهود روزهای شنبه دعاهایی که بر علیه شاگردان مسیح بود تجویز می گردید. مسیحیان یهودی تبار احساس می کردند که بین ایمان به خداوند و وفاداری نسبت به قوم خود برسر دو راهی قرار گرفته اند.

یوحنا ییر مجبور شد بنا بر روایتی به شهر افسس واقع در آسیای صغیر برود. او برای جماعات مسیحیانی که در میان آنها می زیست کتاب خود را دوباره به رشته تحریر درمی آورد. او تمام مطالب اثر قبلی را حفظ نموده و فقط ترتیب آنها را تغییر می دهد.

مقدمه انجیل که بدون تردید از یک سرود مربوط به آیین مذهبی الهام گرفته، خلقت دنیا را بر اساس کتاب پیدایش در اذهان زنده می کند. کار عیسی همانند خلقتی جدید در هفت هفته انجام می پذیرد. سپس رستاخیز به عنوان هشتمین هفته و سرآغاز دنیای جدید می آید. خدمتگزاری عیسی به وسیله شش عید بزرگ یهود یعنی سه عید گذر، عید پنجاهه، عید خیمه ها و عید تقدیس معبد منقطع می گردد. عدد شش عددی است که عدم کمال را می رساند. در اینجا منظور نشان دادن این است که عیدهای یهود بایستی توسط عید گذر مسیحی که یگانه عید کامل است جانشین شود.

مؤلف، اثر خود را با آثار انجیل نگاران نظیر هماهنگ می نماید. اثر وی به ویژه تحت تأثیر انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان قرار می گیرد و همچنین می توان دید که او با رسالات پولس رسول به خوبی آشناست. اکنون او برای دومین نسل مسیحیان مطلب می نویسد. اینها نشانهای عیسی را ندیده اند و فقط از راه شهادت نخستین شاگردان به ایمان روی می آورند و همین شهادت است که بر اهمیت آن تأکید می شود. زندگی مذهبی جماعت به دور رازهای تعمید و آئین سیاسگزاری و بخشش، ارزشی خاص پیدا می کند.

اما قسمتی که به مباحثه مربوط می شود حائز اهمیت بیشتری است. دشمنان عیسی، دیگر همه «یهودیان» نیستند بلکه به طور دقیق تر فرقه فریسانی می باشد که به آزار و اذیت جماعت ها ادامه می دهند. انجیل نگار با مسیحیان یهودی تبار که الوهیت عیسی را در خطر محو شدن قرار می دهند و با «غیر یهود» که ایمان را نفی می کنند و «دنیای شری» که تور را نمی پذیرد به مقابله برمی خیزد.

سبک نوشتن گسترش می یابد. مؤلف در این مرحله بی گمان «رسالات یوحنا» را دیگر به رشته تحریر درآورده و قطعاتی از آن را بویژه قطعاتی از رساله اول را بکار برده بود با این هدف که سخنان عیسی را وسعت و گسترش داده به صورت تفسیری عمیق از گفتارهای او درآورد. ظاهراً این اثر قبل از پایان قرن اول یعنی در حدود سال ۹۵ میلادی به اتمام رسید.

۴) انجیل یوحنا

بنابراین در آغاز قرن دوم میلادی، دو متن از انجیل که بسیار نزدیک به هم و از آثار یک نویسنده بودند وجود داشت. ترتیب وقایع مشروح در آنها با هم تفاوت داشت اما مطالب در غالب اوقات یکسان بودند. جمله ها بی آنکه کاملاً تکرار شوند مشابه هم بودند.